

پیشگفتار چاپ دوم

# آمریکا

نوشته:

فرانتس کافکا

ترجمه:

بهرام مقدادی

چاپ چهارم



انتشارات هاشمی

۱۳۸۷

بهرام مقدادی

## پیش‌گفتار

کار نوشتن قصه آمریکا را کافکا در سال ۱۹۱۲ آغاز کرد. با توجه به این نکته که کافکا این قصه را در سنین جوانی و بدون اینکه به آمریکا سفری کرده باشد نوشته است باید گفت تصویری که از این کشور داده می‌شود از روی کتاب‌هایی است که نویسنده درباره آمریکا خوانده بود، از جمله زندگی بنجامین فرانکلین که از کتابهای مورد علاقه کافکا بود. در نوشتن این کتاب نویسنده از قصه‌های «چارلز دیکنز»، نویسنده رئالیست سده نوزده انگلیس مانند **دیوید کاپرفیلد**<sup>۱</sup>، الهام گرفت ولی واقعیت‌گرایی این نویسنده را با ذهنیات آمیخته کرد. به همین دلیل فصل آخر کتاب به سبک سوررئالیستی نوشته شده است. در این مورد خود کافکا به «گوستاو یانوش» چنین گفته بود:

دیکنز از نویسنده‌های محبوب من است. حتی تا مدتی الگوی چیزی بود که به عبث سعی می‌کردم به آن برسم. «کارل راسمان» مورد علاقه شما، از خویشان کاپرفیلد و آلیور توئیست<sup>۲</sup> است.<sup>۳</sup>

1- David Copperfield

2- Oliver Twist

۳- گوستاو یانوش، گفتگو با کافکا، ترجمه فرامرز بهزاد (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۲). ص ۲۴۳.

در کتاب **امریکا** کافکا از اختلافات طبقاتی جامعه سرمایه‌داری امریکا انتقاد می‌کند. اختلاف شدید - بین نوع زندگی سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌های صنعتی و طبقه کارگر در این کتاب بدروشنی نشان داده شده است. ماشین‌ساز شدن زندگی و مستحیل شدن فرد در جامعه بورژوازی مورد انتقاد قرار می‌گیرد. به همان گونه که مردم ابتدائی قربانی طبیعت بودند، انسان معاصر نیز قربانی اجتماعی است که ناچار است در آن زندگی کند. هر کسی که در اجتماع زندگی می‌کند می‌بایست در همان راهی گام بردارد که برای او تعیین کرده‌اند. در نظام سرمایه‌داری انسان چون مهره‌ایست قابل تعویض به نحوی که فوراً می‌توان در صورت کمبود جانشینی برای او تعیین کرد چنانکه خواهیم دید به محض اینکه، قهرمان داستان، کارل برای چند لحظه محل کار خود را ترک می‌کند فوراً شخص دیگری را بجای او می‌گمارند. در زندگی سازمان یافته اجتماع هیچ کس از خود اراده‌ای ندارد و فرد در این دستگاه عظیم عنصری است تابع و مطیع. هر فرد در زیر دندان‌های چرخ بزرگ اجتماع که گردش آن فراسوی نیروی آدمی است زبون و خوار است. در **قصه امریکا**، کافکا کشمکش میان زندگی «فردی» و «اجتماعی» را تشریح می‌کند. هر انسانی که در جامعه بورژوازی زندگی می‌کند ناچار است زندگی «فردی» و «خصوصی» خود را فدا کند تا با اصطلاح با سیلی سرخ کردن صورتش هم رنگ جماعت شود. هر کسی به نحوی قربانی نظام اجتماع می‌شود و در اینجا داستان مسخ به یاد آورده می‌شود که در آن انسانی برای اینکه از همه این فشارها فرار کند تبدیل به سوسک می‌شود. حتی دایسی کارل هم که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در صدر اجتماع قرار دارد، همیشه نگران وضع خود است تا آنجا که حتی خواهرزاده خودش را به دلیل اینکه نخوایسته است هم رنگ جماعت شود از خود میراند.

برای اینکه **قصه امریکا** را بهتر درک کنیم باید اطلاعاتی از علاقه کافکا به سوسیالیسم و شرکت او در محافل سیاسی زمان خود چون «کلوب جوانان» پراگ داشته باشیم. در سنین جوانی و هنگام دانشجویی کافکا به جنبش‌های سوسیالیستی گرایش‌هایی داشت، و اگر چه رسماً وارد هیچ حزب

و دسته‌ای نبود قلباً با رژیم‌های استعماری مخالفت می‌ورزید. **قصه امریکا** در باره بی‌عدالتی‌هایی است که در جامعه سرمایه‌داری امریکا وجود دارد. با توجه به این نکته که کافکا زمانی این **قصه** را نوشت که گرایش‌های سوسیالیستی داشت، فصل آخر کتاب را که در آن «کارل» به سرستگاری موعود می‌رسد، باید همان آرمان شهری پنداشت که بعضی سوسیالیست‌ها به آن اعتقاد دارند. امریکا که در سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۱۲ به علت تبلیغات فراوان سرزمین موعود قلمداد شده بود در این کتاب تبدیل به دوزخی می‌شود که در آنجا حتی مجسمه آزادی‌اش به جای مشعل، شمشیر خشونت و رقابت‌های سرمایه‌داری را به دست گرفته است. امریکایی که در این کتاب معرفی می‌شود همان بهشت گمشده یا امریکایی دیگر است که در آن نمی‌شود زندگی کرد. در این مورد «مارتین گرین برگ» چنین می‌نویسد:

آن امریکای واقعی که کارل راسمان خود را در آن رها شده می‌یابد امریکائی است که با «کوشش-های بیپه‌وده» مضمحل شده و به هیچ وجه از دنیای قدیم [اروپا] سعادت‌مندتر نیست. آن امریکا يك امریکای سرمایه‌داری است که میان ثروتمندان و لخرج که در کاخ‌ها و هتل‌های بزرگ زندگی می‌کنند و مردم تهی‌دست رنجبر که در اتاق‌های اجاره‌ای روی هم انباشته شده‌اند اختلاف فاحشی وجود دارد.<sup>۱</sup>

«گوستاو یانوش» در کتاب **گفتگو با کافکا** نقل می‌کند روزی کتابی شامل طرح‌هایی از کتور گروس<sup>۲</sup> را به کافکا نشان می‌دهد که در آن سرمایه‌داری به صورت مردی فر به نقاشی شده بود که روی پولهای فقرا نشسته است.

1- Martin Greenberg, The Terror Of Art: Kafka

And Modern Literature, (New York: Basic Books, inc. 1968), P. 100.

2- George Grosz

